

آذربایجان

تمام بحث بر سر یافتن

پاسخ برای واقعیات امروز است

جلال زاهدی

فرقه دموکرات آذربایجان در مبارزه آزادیبخش زمینه فکری خود را از منافع و مطالبات تمام خلق های ایران، استقلال و تمامیت ارضی کشور، روند ضرورت تاریخی داخل کشور و شرایط عینی بین المللی می گیرد. فرقه دموکرات آذربایجان در تمام ادوار تاریخی خود خواه در دوره غالبیت، خواه مغلوبیت و مهاجرت استناد به حقوق حق ملل ایران از جمله ملت آذربایجان و دموکراسی سرتاسری ایران فعالیت های مبارزاتی را ادامه داده و می دهد.

فرقه دموکرات آذربایجان از یک سو با در نظر گرفتن هر دوره ای از دوره های تاریخی که بر اساس پیدایش، تکامل و روند مراحل موجود که خصوصیات قوانین و قانونمندی ها و از سوی دیگر استناد به واقعیت های تاریخی که نتایج فعالیت های توده ها که شالوده واقعیت های تازه را تشکیل می دهد با برنامه ریزی هدف و شیوه مبارزه را مشخص می نماید. افزون بر آن کاراکتر مراحل مبارزات منوط به خواست ها، هدف ها و منافع توده ها است. اما چون نیروهای مخالف نهضت واکنش های سیاسی و نظامی از خود نشان می دهند مراحل مبارزه ها از اعتلاء به انحطاط و از انحطاط به اعتلاء رخ می دهد. مراحل نو زاینده مراحل کهنه است. یعنی تجربیات مبارزه بر اساس تجربیات گذشته به اضافه شرایط موجود شکل رونق به خود می گیرد. مراحل مبارزه در اوایل نهضت ملی آذربایجان شکل اعتلاء بخود گرفت. فرقه دموکرات آذربایجان در این مرحله با طراحی کردن مسایل و مشکلات اجتماعی که مردم ایران با آن دست بگریبان بودند مورد توجه قرار داد و برای تحقق بخشیدن به این امر استناد به واقعیت های تاریخی و ارزش های دموکراسی موفق به غالبیت نهضت مردم آذربایجان شد.

علت اساسی نهضت مردم آذربایجان این بود که در دوره نظام سلطه شاهنشاهی نه اینکه مادیات و معنویات همچنین حقوق قانونی خلق های ایران از بین می رفت و فرقه دموکرات می خواست این مدار سلطه را از بین ببرد، دموکراسی و حقوق حقه خلق ها را جایگزین آن نماید. نکته مهم این است که هر نهضتی بنابه اقتضای ماهیت خود دارای هدف و وظایفی است که بر اساس حقیقت های مسلم ضرورت تاریخی انجام می گیرد. در شرایط اجتماعی-تاریخی نهضت ملی آذربایجان در موضع احقاق حق مختاریت و دموکراسی در ایران بود. اندیشه خودمختاری ملت آذربایجان واقعیت تاریخی بود، زمان و مکانی مناسب خود را داشت. زیرا تجربیات چهار انقلاب ایران در قرن بیستم حاکی از این بود که تشخیص ندادن زمان و مکان به اضافه واقعیت های تاریخی و جغرافیایی هر کشور هدف و شیوه مبارزه را نمی توان درک کرد.

مسئله اصلی در نهضت ملی آذربایجان این بود که مردم ایران گرفتار چنین حکومتی بودند که تداوم آن بزرگترین تهدید بر علیه خلق ها و موجودیت کشور بود. مردم ایران تحمل چنین حکومتی را نداشتند. زیرا رژیم شاه تکیه بر قدرت نظامی تسلط بر حقوق خلق ها استوار بود. میزان مشکلات و معضلات روز بروز شدت می یافت. رژیم با تشدید و فشار و جو خفقان تلاش می کرد حرکات آزادی مردم آذربایجان را به سکوت وادار نماید. رژیم شاه با تهدید و ارباب می خواست تداوم سیطره خود را حفظ نماید. کلاً سیاست شاه در قبال ایران

به ضرر جنبش آزادی و دموکراسی بود و خلق های ایران به عواقب سیاست شاه نمی توانستند بی تفاوت باشند. حرکات دموکراسی سرتاسری ایران و مخصوصاً نهضت ملی آذربایجان نمودهایی از دلایل منطقی آن روز ایران بود. تامین نیازهای دموکراسی و سیاسی انگیزه مهمی بود جهت نهضت مردم آذربایجان. حرکات آزادیبخش ملت آذربایجان به تدریج شکل نهضت ملی بخود گرفت. نخستین مرحله این نهضت ملی رشد یافتن تشکل توده های عظیم بود. خواست فرقه و هدف عالی او احقاق حق مسلم تمام خلق های ساکن ایران منجمله آذربایجان بود. این خواست قانونی با سرکوب رژیم تبهکار شاه مواجه گشت و مردم آذربایجان تحت رهبری فرقه دموکرات ناچار با همکاری بعضی از نیروهای مسلح رژیم که از سلطه شاه بجان آمده بودند مسلحانه صاحب خودمختاری در چارچوب ایران شدند.

در نهضت ها معمولاً هدف اصلی بستگی به دو نکته اساسی دارد که این نیز شامل نهضت ملی آذربایجان بود. نکته اول نحوه برخورد، نکته دوم نحوه عمل. نحوه برخورد بستگی به گرایش های مبارزین دارد که بنیاد آن را طلبات و منافع تشکیل می دهد. طلبات و منافع آن روز ایران حق مسلم خلق های ساکن ایران بود. نحوه عمل نیز با شرایط و واقعیت های موجود است که فرقه دموکرات الزاماً با مبارزه مسلحانه موفق به حقوق حقه آذربایجان شد. مبارزه مسلحانه خواست فرقه دموکرات و مردم آذربایجان نبود، آن محصول و نتایج شرایط داخلی و جبر زمان بود.

پس از غالبیت نهضت ملی آذربایجان، رژیم شاه ناخواسته خودمختاری ملت آذربایجان را علی الظاهر به رسمیت شناخت و با رهبران فرقه دموکرات و حکومت ملی آذربایجان وارد مذاکره شد و در این زمینه قراردادهایی به امضاء رساندند. اما رژیم فرصت طلب با خیانت به قرارداد خود با هجوم قوای نظامی مردم آذربایجان را به خاک و خون کشیدند و برخی از اعضاء فرقه دموکرات ناگزیر به کشور دیگر مهاجرت کردند.

فرقه دموکرات آذربایجان در مبارزه کنونی به این نکته اساسی اتکاء می نماید که در دنیای امروز مبارزه دموکراسی جنبه عینی، عمومی و همگانی دارد. این امر بر اساس تجربیات چند سال اخیر ثابت شده است. کارآمدهای فرقه دموکرات که بر اساس شرایط موجود استوار است در ترویج و تکوین اندیشه های دموکراسی سعی و تلاش می کند. زیرا در زمان حاضر طفره رفتن از دموکراسی نتیجه مثمر نخواهد داشت. اندیشه دموکراسی و رعایت حقوق حق انسانی از تاثیرگذارترین عوامل بالقوه در مبارزات کنونی است. توضیح امر این است که در مرحله معاصر جوامع بشری در مبارزات راه آزادی شکل تازه ای بخود گرفته و تبدیل به محور مبارزات دموکراسی شده است.

مراحل تاریخی جوامع معمولاً با پیشرفت علم، تکنیک و تمدن سیر تکاملی خود را پیموده است. در مسیر این تکامل اندیشه ها، ایده ها، معیارها، ارزش ها نیز وارد مرحله تازه می شوند. محدودیت های شرایط اجتماعی نسبت به قبل از بین می رود و امکانات تازه جایگزین آن می شود. دست آوردهای تجربیات به مبارزین عمومیت می بخشد. عنصرهای ایده نو بالنده و می روید و سرچشمه و منبع اصلی هدف ها می شود. خصلت و سمت مناسبات به شیوه های مبارزه عوض می شود و طبقه بندی مبارزین طبق پاسخ به مسئله اساسی مبارزات کنونی صورت می گیرد. عقاید سیاسی و تمام سیستم عقاید و نظرات مبارزین وابسته به آن است که **بر مسئله مبارزه کنونی** چگونه پاسخ می دهند.

با در نظر گرفتن مسایل فوق پاسخ های فرقه دموکرات آذربایجان بر اساس برخورد عینی است. فرقه دموکرات با این برخورد عینی علل واقعی روند تاریخی را مشخص نموده،

ویژگی های شرایط موجود و توان مبارزین را مورد توجه قرار می دهد. چون که تعیین مدارج مشخص روند ضرورت تاریخی شیوه های مبارزه را بدرستی روشن تر می سازد. براساس همین برخورد خط مشی فرقه دموکرات آذربایجان را دستیابی به عنصرهای دموکراتیک همانا مبارزه در راه دموکراسی، رعایت حقوق شهروندان، تعیین مقدرات ملت ها در چارچوب ایران و برقراری فدرال دموکراتیک تشکیل می دهد. دلایل منطقی این امر عبارت از این است که در جهان امروزی انسان ها بیش از گذشته به حقوق مسلم خود آگاه ترند. در گذشته آنچه طبیعی بحساب می آمد مثلاً تبعیض نژادی، جنسی و ملی اینک نقض حقوق بشر بشمار می آید و جنبش مدافعه حقوق بشر نیز شکل جهانی بخود گرفته است.

اغلب کشورهای جهان در زمان حاضر حقوق بشر را مورد تاکید قرار داده اند و حق نظارت به رعایت حقوق نامبرده دارند. ترمرد هر کشوری از حقوق بشر مورد مواخذه و حتی محاصره اقتصادی قرار خواهد گرفت. بر اساس حقوق بشر نباید فعالین سیاسی از ابراز عقیده انتقادی از حکومت در وحشت باشند. نباید از شکنجه و زندان انفرادی به عنوان ابزار برای شکستن پابندی به عقاید و مسلک و آزار فیزیکی و فشار برای پس گرفتن نظرات سیاسی استفاده شود. نباید آزادی بیان و تجمع، شرکت در تظاهرات مورد تهاجم نهادها قرار گیرد. بعلاوه بیماری، گرسنگی و فقر نیز پایمال شدن حقوق انسان ها است.

(ماهنامه آذربایجان ارگان فرقه دموکرات آذربایجان)